

متن پرسش

بسمه تعالی. . سلام علیکم استاد عزیز. . استاد بریدم بریدم، خاطرتون هست اول ماه پیامی مبنی بر بیماری لعنتی زخم اثنی عشر دادم و شما شماره آقای رستگار را دادید...در این مدت سعی کردم نه سیر بخورم ولی معده ام خالی نباشه، داره بهبود حاصل میشه، اما استاد بدجور داغونم، انگار روزه ماه رجب گوهریه برای خودش، زبانم باز شده، نگاهم غیر قابل کنترل شده، گفتم ماه رجب میاد، سعی میکنم همه چیمو کنترل کنم، نگاه اضافی نکنم، حرف زیادی نزنم، . . استاد داغونم. . نه شده با این وضع جسم لعنتی روزه بگیرم و نه تونستم از این نور در این ۱۹ روز استفاده کنم و امیال رو افسار کنم، انگار دوباره خانه اولم. . . نمیدونم چکار باید بکنم. . . استاد همه پیام هایی که به دوستانی مثل من میدید رو میخونم، راهشم میدونم. . . پس چرا این نفس لعنتی رام نمیشه. . . حاجی نکنه به بمبست خوردیم؟ این حس داره دیوانم میکنه که مجدد بعضی خطوراتی و علاقه هایی که بعضا اصلا فکرش را هم نمیکردم داره سارغم میاد. . . استاد هیچی ندارم، هیچی.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تنها راه، مقاومت در مقابل این خطورات است. عرضی که در جواب سؤال شماره‌ی ۸۶۱۶ داشتیم را مدّ نظر قرار دهید. کمی هم حوصله کنید. موفق باشید